

## تحلیل رفتار انتخاباتی رأی دهندگان

دکتر حجت‌الله ایوبی

آزمون نظریات تحلیل رفتار  
رأی دهندگان: مورد انگلستان

برای آنکه مبحث حاضر صرفاً به بیان نظریات محدود نشود، شایسته است این نظریات را با داده‌های عینی آزمون کنیم. در این جا با استفاده از داده‌های مربوط به انتخابات مختلف در کشور انگلستان به آزمون نظریات یاد شده می‌پردازیم.

تأثیر وضع اجتماعی رأی دهندگان بر رفتار آنان در انتخابات

نظر سنجی‌های مختلف نشان می‌دهد که رأی انگلیسی‌ها از ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ سخت تحت تأثیر وضع اجتماعی و طبقاتی آنان بوده است. تحقیقات نشان می‌دهد که درصد بالایی از طبقات متوسط غالباً به محافظه کاران رأی می‌دهند در حالی که قشر کارگر بیشتر به حزب کارگر متمایل است. پیترو پولزر، وضع اجتماعی و طبقاتی رأی دهندگان را مهم‌ترین عامل تعیین کننده رأی انگلیسی‌ها دانسته و تأثیر بقیه عوامل را بسیار ناچیز می‌شمرد. از دیدگاه او برای پیش بینی رأی يك انگلیسی کافی است بدانیم خاستگاه طبقاتی او چیست و به کدام طبقه اجتماعی بستگی دارد.

مشکلی اساسی که بلافاصله مطرح می‌شود مربوط به کارگرانی است که به محافظه کاران رأی می‌دهند. به عبارت دیگر، رأی دهندگانی که (Tory Woter) نامیده می‌شوند سبب تردید در این نظریه می‌شوند. با توجه به این که  $\frac{2}{3}$  رأی دهندگان انگلیسی را کارگران تشکیل می‌دهند، طبیعی است که اگر همه کارگران به حزب کارگر رأی می‌دادند، حزب محافظه کار هرگز شانس برای رسیدن به قدرت نمی‌داشت. تحقیقات نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از کارگران انگلیسی به حزب محافظه کار رأی می‌دهند. آنچه برای پژوهشگران تعجب آور است، این است که کارگران محافظه کار نسبت به دیگر کارگران اغلب درآمدهای بسیار کمی دارند و سطح زندگی آنها بسیار پایین است. پژوهشگران می‌گویند که کارگران محافظه کار گرچه از نظر اقتصادی در سطح پایینی به سر می‌برند ولی از نظر روحی و روانی از زندگی خود راضی هستند و وضع شغلی

و اجتماعی خود را قابل قبول می‌دانند. کارگران محافظه کار نسبت به هم کیشان چپ خود از وضع موجود بسیار راضی تر می‌باشند. بنابراین در اینجا شاید بتوان با استفاده از معیارهای «ذهنی» رأی کارگران محافظه کار را توضیح داد. اغلب این کارگران در شرکت‌ها و کارگاه‌ها و صنایع بزرگ کار می‌کنند و کمتر در صنایع کوچک اشتغال دارند.

بالتو و استوکز در کتاب خود تحت عنوان «تغییرات سیاسی در بریتانیا» به تحلیل علت رأی کارگران به محافظه کارها پرداخته‌اند و آن را نوعی رأی احترام آمیز نامیده‌اند. این دسته از کارگران علاقه‌مندند کسانی حکومت کنند که از کودکی در فضای سیاسی و در میان طبقه اشراف و نخبگان و در قصرها تربیت شده باشند. از دیدگاه این عده، کارگران هر چند تحصیلات عالی هم داشته باشند. به علت وضع اجتماعی نامناسبی که داشته‌اند نمی‌توانند زمامداران مناسبی باشند.

بالتو و استوکز نشان دادند که در گذر زمان از درصد آرای کارگران محافظه کار کاسته شده است و کارگرها رفته رفته به حزب کارگر روی آورده‌اند. در حوالی سال ۱۹۱۸ و آغاز پیدایش حزب کارگر، تقریباً ۵۳ درصد کارگران محافظه کار بودند. این رقم در سال‌های میان دو جنگ به ۴۱ درصد کاهش یافت و در سال ۱۹۴۷ که حزب کارگر به قدرت رسید درصد کارگران محافظه کار به ۲۷ درصد تنزل یافت.<sup>۱</sup>

با به قدرت رسیدن مارگارت تاچر، بار دیگر گرایش زیادی به حزب محافظه کار در میان کارگران دیده شدو تاچر توانست کارگران بسیاری را به حزب خود جذب کند. در توجیه این امر شاید بتوان گفت که این تحلیلگران می‌کوشند رابطه علی و معلولی میان رأی و طبقات اجتماعی برقرار نمایند و خواسته‌ها و تمایلات و انگیزه‌های شخصی را نادیده می‌گیرند. کارگران جوان برخلاف پدران خود که از قدرت سندی‌کاه‌ها به تنگ آمده‌اند، از آزادی عمل در فعالیت‌های اقتصادی استقبال می‌کنند و خصوصی سازی را عاملی در جهت ترقی اقتصادی و تحرک در اقتصاد کشور می‌دانند. این عده برخی از سیاست‌های محافظه کاران از قبیل محدود کردن مهاجرت‌ها،

احزاب آن را که بیشتر با منافعشان همسویی دارد انتخاب نمایند. بنابراین امروز تعلقات حزبی و تعصب نسبت به احزاب خاص تا حد زیادی کم رنگ شده و احزاب سیاسی وفاداران عقیدتی خود را روز به روز از کف می دهند. انتخابات سال ۱۹۹۲ انگلستان گواهی بر این مدعاست. روی کار آمدن جان میجر و کنار رفتن خانم تاچرا را بسیاری دلیلی بر تضعیف و رنگ باختن رأی طبقاتی می دانند. گرچه امروز طبقه کارگر اهمیت گذشته را در جامعه انگلستان ندارد، اما همچنان ۵۹ درصد از جمعیت رأی دهنده آن کشور را کارگران تشکیل می دهند.

با وجود این همچنان محققان و پژوهشگران سیاسی از رأی طبقاتی در انگلستان سخن می گویند و آمار و ارقام و نتایج انتخابات این فرسویه را تأیید می نمایند. تحقیقات نشان می دهد که در انگلستان بین موقعیت خوب اقتصادی و اجتماعی و گرایش به محافظه کاران رابطه مستقیم وجود دارد و هر چه بر نردبان موقعیت اجتماعی به سمت بالا می رویم رأی دهندگان بیشتری به محافظه کاران را می یابیم؛ برعکس، در طبقات پایین اجتماعی درصد آرا به حزب کارگر به مراتب بیشتر از میزان آرا به حزب محافظه کار است.

نظرسنجی‌ها نشان می دهد که کارگران سنتی که در اسکاتلند و شمال انگلستان ساکنند تمایل فراوانی به حزب کارگر نشان می دهند. اغلب این کارگران عضو سندیکاها هستند و در حاشیه شهرها به سر می برند. در مقابل، کارگران جوانی که تازه به جمع کارگران پیوسته اند و در سندیکاها عضویت ندارند تمایل کمتری نسبت به حزب کارگر نشان می دهند. کارگران شمال غالباً در مجتمع‌های مسکونی اجاره‌ای ساکنند و برخی معتقدند این پدیده در آرای آنها مؤثر است، چرا که این امر موجب ایجاد روح جمعی و همبستگی طبقاتی میان ساکنان این مجتمع‌های مسکونی می شود. اما از آنجا که صنایع قدیمی شمال انگلستان رفته رفته رو به افول است و درصد بالایی از کارگران دارای خانه‌های شخصی می شوند (۵۷ درصد) و افزون بر این با بحرانی که سندیکاها با آن مواجه هستند می توان انتظار

خصوصی سازی، سیاست ایجاد امنیت در کشور را باب طبع خود می دانند و با این که با همه سیاست‌های جناح راست موافق نیستند، محافظه کاران را برای اداره کشور برمی گزینند. در سال ۱۹۷۹ خانم تاچر با حمایت در صد قابل توجهی از کارگران توانست به قدرت برسد و سالها همچنان بر اریکه قدرت بماند.

در مقابل، حزب کارگر هم توانست چهره جدیدی از خود نشان دهد و در این سال‌ها تلاش فراوان کند تا رأی دهندگان محافظه کار از طبقات دیگری غیر از کارگران را به سمت خود جلب نماید و در این سیاست تا حد زیادی هم موفق شد. حزب توانست با تبلیغات و اعلام برنامه‌های تازه قشر قابل توجهی از طبقات متوسط را به سمت خود بکشد، به گونه‌ای که هم اکنون بسیاری از اعضای کمیته‌های انتخاباتی حزب را طبقه متوسط تشکیل می دهند. حاصل آن که تحقیقات مختلف حاکی از این واقعیت است که رأی طبقاتی روز به روز اهمیت کمتری می یابد<sup>۲</sup> و احزاب سیاسی انگلستان خاستگاه طبقاتی خود را در دهه اخیر هر چه بیشتر از دست داده اند. در صد بالای محافظه کاران کارگر و بورژواهای طرفدار حزب کارگر گواه کم رنگ شدن رأی طبقاتی در این کشور می باشد. آمار نشان می دهد که در سال ۱۹۸۳ تنها ۴۹ درصد از رأی دهندگان به علت تعلقات طبقاتی به حزب خاصی رأی داده اند و شمار زیادی از اعضای طبقات جدید کارگر و طبقات متوسط اساساً هر گونه وابستگی خود را به یک حزب خاص نفی می کنند و خود را فارغ از هر گونه تعلق حزبی می دانند.<sup>۳</sup>

بنابراین می توان نتیجه گرفت که وضع اجتماعی و طبقاتی افراد در نحوه انتخاب آنها بی تأثیر نیست، اما با گذشت زمان از اهمیت این عنصر کاسته می شود. امروزه بطور کلی با بالا رفتن سطح دانش و آگاهی مردم و با توجه به نقشی که رسانه‌های گروهی در جامعه ایفا می کنند رأی دادن قبل از آن که عملی جمعی و طبقاتی باشد به سمت فردی شدن پیش می رود و به صورت انتخابی شخصی در می آید. افراد با توجه به موضوعاتی که نامزدها مطرح می کنند و با محاسبه منافع خود می کوشند از میان نامزدها و

داشت که آرای طبقاتی روز به روز اهمیت خود را از دست بدهد.

بنابراین گذشته از وابستگی طبقاتی عوامل دیگری نیز در تعیین رأی افراد دخیل است و نمی توان گفت که وضع شغلی و طبقاتی قهراً تعیین کننده جناح سیاسی افراد در انتخابات می باشد. در خصوص انگلستان دیده شد که تعلق به طبقه کارگر گرچه می تواند اثر زیادی بر موضع گیری سیاسی افراد داشته باشد ولی تنها عامل توضیح دهنده آرای رأی دهندگان انگلیسی نیست.

از دیگر عوامل مهمی که از دیدگاه برخی از محققان می تواند توضیح دهنده آرای رأی دهندگان باشد جنسیت آنان می باشد. در اینجا به بررسی اجمالی تأثیر این پدیده بر آرای انگلیسی ها

می پردازیم.

تأثیر عامل جنسیت بر انتخاب رأی دهندگان انگلیسی

بر پایه تحلیل های جامعه شناسانه، جنسیت یکی از عواملی است که بر تصمیم رأی دهندگان مؤثر است. به طور کلی می توان گفت که نقش جنسیت در رفتار رأی دهندگان را کمتر محقق یکسره نفی نموده است؛ سخن بر سر میزان این تأثیر است.

پژوهشگران مختلف کوشیده اند با نظر سنجی ها و تحقیقات میدانی تأثیر جنسیت بر گرایش های سیاسی رأی دهندگان را مورد بررسی قرار دهند. در انگلستان زنان از سال ۱۹۲۸ حق رأی یافتند و بتدریج بخش قابل توجهی از

#### میزان آرای طبقات مختلف اجتماعی بر اساس مشاغل در سال ۱۹۹۲

جمع کل	دیگران	حزب لیبرال دموکرات	حزب کارگر	حزب محافظه کار	
۲۰۰	۶	۲۰	۱۷	۵۷	مشاغل آزاد و طبقات بالا
۱۰۰	۴	۱۹	۲۸	۴۹	کارمندان
۱۰۰	۸	۱۷	۴۰	۳۵	کارگران حرفه ای
۱۰۰	۹	۱۴	۴۸	۲۹	کارگران غیر حرفه ای

مأخذ: نظر سنجی گالوپ پس از انتخابات

#### در صد آرای کارگران بر اساس محل سکونت و نوع مسکن و وابستگی به سندیکاها در انتخابات ۱۹۹۲ انگلستان

عضویت در سندیکاها		مسکن		محل اقامت		رأی
غیر عضو	عضو	آپارتمان های دولتی اجاره ای	شخصی	جنوب	اسکاتلند شمالی	
۴۳	۴۵	۵۷	۳۹	۳۶	۵۲	حزب کارگر
۳۴	۲۳	۲۰	۳۸	۳۸	۲۳	حزب محافظه کار
(+۹)	(+۲۲)	(+۳۷)	(+۱)	(-۲)	(+۲۹)	(Solde)

#### در صد آرای حزب محافظه کار در سال ۱۹۹۲ بر اساس سن رأی دهندگان

در صد				
۱۸ تا ۲۵ سال به بالا	۲۵ تا ۳۴ سال	۳۵ تا ۴۴ سال	۴۵ تا ۶۴ سال	۶۵ سال به بالا
۳۷	۳۶	۳۷	۴۲	۴۹

مأخذ: Gallup, April 1992

می‌دهد که با توجه به بهبود وضع اجتماعی زنان، تفاوت میان رفتار مردان و زنان در انتخابات سخت رو به کاهش است. بالا رفتن سطح سواد و شاغل شدن درصد زیادی از زنان موجب شده است که زن بعنوان يك عامل اجتماعی و کمتر بعنوان «زن» در انتخابات ظاهر شود. آمار و ارقام انتخابات در کشور انگلستان حاکی از این واقعیت است که درصد کمی از زنان در انتخابات تحت تأثیر جنسیت خود می‌باشند. برای نمونه، در سال ۱۹۸۳ کمتر از ۴۳ درصد از زنان به خانم تاجر رأی دادند و درصد آرای مردان به خانم تاجر حدوداً ۳ درصد بیش از زنان بود.

پژوهشگران نشان داده‌اند که در انتخابات سال ۱۹۸۷ گرایش مردان جوان به حزب محافظه کار در انگلستان بیش از زنان جوان بوده است. بطور کلی در انتخابات سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۷ که خانم تاجر پیروز شد، رابطه جنسیت و انتخابات بسیار ضعیف بود.

#### رابطه جنسیت و رأی در انتخابات سال‌های

۱۹۷۹، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۷

تاریخ	جنسیت	احزاب سیاسی		
		محافظه کار	کارگر	لیبرال
۱۹۷۹	مردان	۴۷	۳۹	۱۳
	زنان	۴۶	۳۹	۱۴
۱۹۸۳	مردان	۴۶	۳۰	۲۴
	زنان	۴۳	۲۸	۲۸
۱۹۸۷	مردان	۴۴	۳۳	۲۲
	زنان	۴۴	۳۱	۲۵

مأخذ: Gallup Poll

گرایش زنان انگلیسی به حزب کارگر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد که مهم ترین آن عبارت است از توجه خاص این حزب به مسائل زنان و تأکید بر شعارهایی که بسیار مورد علاقه آنان است.

محافظه کاران در این سال‌ها از شعارهای اساسی مورد علاقه زنان غافل شدند و مسائلی چون تحصیلات، بهداشت، بیمه اجتماعی و امثال آن که جزء اساسی ترین شعارهای حزب کارگر بود در شعارهای تبلیغاتی محافظه کاران کمتر

رأی دهندگان این کشور را تشکیل دادند. امروزه ۵۲/۷ درصد از مجموع رأی دهندگان انگلستان زنان هستند.

تحقیقات نشان می‌دهد که در انگلستان تا اوایل سال ۱۹۷۰ درصد کمی از زنان در انتخابات شرکت می‌کرده‌اند و از میان زنانی که به پای صندوق‌های رأی می‌رفته‌اند در صدقابل توجهی به محافظه کاران گرایش داشته‌اند. از سوی دیگر، تحقیقات یاد شده نشان می‌دهد که ۱/۴ زنان رأی دهند تا سال ۱۹۷۰ استقلال رأی نداشته و غالباً در انتخابات تابع شوهر یا پدر خود بوده‌اند. بتدریج با بالا رفتن سطح سواد زنان، بر میزان مشارکت آنان افزوده شد و گذشته از آن، زنان در رأی دادن از استقلال بیشتری برخوردار شدند. اما همه نظر سنجی‌ها و تحقیقات حاکی از این واقعیت است که زنان بیشتر به جناح راست و محافظه کار گرایش دارند. گرایش به حزب محافظه کار و جناح راست در سنین بالا به مراتب بیش از سنین پایین می‌باشد.<sup>۴</sup>

برخی از پژوهشگران کوشیده‌اند دلیل محافظه کاری زن‌ها را توضیح دهند. از مجموع نظریات این محققان می‌توان سه دلیل برای تبیین این پدیده ذکر کرد:

۱- با توجه به میانگین بالای عمر زنان نسبت به مردان، درصد زنان مسن بیش از مردان می‌باشد. در نتیجه زنان به دلیل سن بالای خود و نه به دلیل جنسیت به جناح راست رأی می‌دهند. شایان ذکر است که تحقیقات مختلف حاکی از آن است که بین بالا رفتن سن و رأی دادن به جناح راست رابطه مستقیم وجود دارد.

۲- از آنجا که زنان بیشتر به امور خانه می‌پردازند و کمتر عضو سندیکاهای کارگری می‌باشند کمتر در معرض افکار تند و انقلابی چپ گرایانه قرار می‌گیرند.

۳- آمار و ارقام حاکی از آن است که تعلقات مذهبی زنان بیش از مردان است و جناح راست غالباً جناح طرفدار مذهب و ارزش‌های دینی است و در نتیجه زنان نه به دلیل جنسیت بلکه به دلیل گرایش مذهبی خود به جناح راست رأی می‌دهند.

تحقیقات انجام شده در دهه اخیر نشان

را تغییر می دهند یا به سندیکاها و گروه‌های ویژه‌ای که پدران و مادران شان در آنها عضویت نداشته‌اند می‌پیوندند.

### نقش مذهب بر انتخاب رأی دهندگان

برخلاف فرانسه، در انگلستان آرای رأی دهندگان چندین تحت تأثیر مذهب آنها نیست. پژوهشگران نتوانستند ارتباط مستقیمی میان مذهب و گرایش سیاسی رأی دهندگان انگلیسی بیابند.

### جغرافیا و انتخابات

از سال‌های ۱۹۵۰ تاکنون در کشور انگلستان مناطق مختلف جغرافیایی به چپ و راست معروف شده است. شکاف بین مناطق مختلف از سال‌های ۵۰ تاکنون وجود دارد. در سال‌های حکومت تاجر شکاف میان شمال و جنوب آشکارا وجود داشت. شهرها و مناطق جنوب که از نظر اقتصادی در وضع بهتری هستند بیشتر به جناح راست تمایل دارند. برای نمونه، در انتخابات سال ۱۹۸۷ حزب کارگر بیشترین آرای خود را در مناطق شمال به دست آورد. شهرهای صنعتی شمال انگلستان و منطقه اسکاتلند، مناطقی بود که حزب کارگر در آنها بیشترین آرا را از آن خود نمود.

در انتخابات سال ۱۹۹۲ تغییراتی جزئی در جغرافیای انتخاباتی انگلستان حاصل شد. حزب محافظه کار در این سال ۳ درصد از آرای خود را در منطقه جنوب شرقی و ۲ درصد را در منطقه میدلندز از دست داد. حزب کارگر در این انتخابات در مناطق جنوبی درصد آرایش را تا حد قابل ملاحظه‌ای افزایش داد و توانست در برخی از مناطق جنوب حتی تا ۷/۴ درصد به آرای خود بیفزاید. (میدلندز شرقی)

رأی بر اساس موضوعات طرح شده در انتخابات

با توجه به کاهش نقش عواملی چون طبقات اجتماعی، سن، جنسیت و امثال آن، رفتار رأی دهندگان بیشتر به سوی شخصی شدن و استقلال نسبی از عوامل اجتماعی و فرهنگی گرایش یافته است. انتخاب عقلانی بر اساس موضوعات مطرح در انتخابات یکی از عوامل و

دیده می‌شد. به عبارت دیگر، جناح چپ در انگلستان با آگاهی بیشتری نسبت به خواسته‌ها و تمایلات زنان توانسته بود با طرح شعارها و برنامه‌های مورد علاقه آنان درصد بالایی از رأی زنان را به سوی خود جلب نماید.

بی‌علاقگی زنان به خانم تاجر را می‌توان تا حد زیادی مربوط به برنامه‌ها و شعارهای تبلیغاتی او دانست. تأکید فراوان تاجر بر مسائلی نظیر سلاح‌های هسته‌ای، استفاده از قوه قهریه در روابط بین‌الملل، طرفداری از اعدام و تقویت نیروهای پلیس و امثال آن که در رأس برنامه‌هایش قرار داشت کمتر مورد علاقه زنان بود.

### تأثیر سن بر رفتار انتخاباتی

پژوهش‌ها حاکی از آن است که رفتار رأی دهندگان تا اندازه‌زیادی تحت تأثیر سن آنان می‌باشد. این نکته کمتر مورد اعتراض محققان است و غالب آمارها و ارقام وجود این ارتباط را تأیید می‌کند.

نگاهی به آمار و ارقام انتخابات در انگلستان گویای این است که طی سالیان متمادی درصد زیادی از رأی دهندگان بالاتر از ۴۵ تا ۵۰ سال گرایش بیشتری به جناح راست و حزب محافظه کار نشان داده‌اند. به عنوان مثال در انتخابات سال ۱۹۹۲ بیش از ۴۹ درصد از رأی دهندگان ۶۵ سال به بالا و بیش از ۴۲ درصد از رأی دهندگان بین ۴۵ تا ۶۴ سال به حزب محافظه کار رأی داده‌اند.

### تأثیر خانواده بر رفتار رأی دهندگان

در میان عوامل مختلفی که ذکر شد، خانواده همچنان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توضیح دهنده آرای می‌باشد. بالتر<sup>۵</sup> و استوکز در بررسی و تحلیل رفتار رأی دهندگان انگلیسی اثبات کردند که خانواده مهم‌ترین نقش را در انتخاب فرزندان و جوانان رأی دهنده بازی می‌کند. این دو ثابت نمودند که گرایش‌های سیاسی از نسل پیشین به نسل آینده منتقل می‌شود. این دو پژوهشگر نشان دادند که ۹۲ درصد طرفداران حزب کارگر و محافظه کار اعلام نموده‌اند که پدران و مادران آنها نیز چنین گرایش سیاسی داشته‌اند. تغییر جهت گیری فرزندان معمولاً در شرایطی صورت می‌پذیرد که محل سکونت خود

بعنوان مثال، پالزر اساس نظام حزبی انگلستان را شکاف طبقاتی می‌داند و تمام مسائل دیگر را حاشیه‌ای قلمداد می‌نماید.<sup>۶</sup>

بالتو و استوکز نیز در کتاب معروف خود در سال ۱۹۶۹ ضمن اثبات این فرضیه نشان دادند که قشر جوان کمتر از نسل گذشته بر اساس خاستگاه طبقاتی خود در انتخابات شرکت می‌کند.<sup>۷</sup>

ارتباط میان طبقات اجتماعی و رفتار انتخاباتی در سال ۱۹۶۳

درصد

تعلق حزبی	طبقه
محافظة کار و ...	کارگر متوسط
	۲۸
کارگر و ...	متوسط
	۷۹
	۲۱
	۷۲
	۱۰۰
	۱۰۰

ماخذ: Bulter D./ Stokes D./ op. cit., p.104

پس از بیان نظریات مختلف درباره عوامل تعیین کننده آراء در انگلستان، به بررسی پدیده دیگری می‌پردازیم که حائز اهمیت خاصی است. پس از دهه هشتاد در کشور انگلستان شاهد تغییر رفتار رأی دهندگان می‌باشیم. این مسئله توجه بسیاری از متخصصان انتخابات را به خود جلب کرده است که به بیان پاره‌ای از این موارد می‌پردازیم:

تغییر رفتار انتخاباتی رأی دهندگان

تا اوایل دهه هشتاد رأی دهندگان انگلیسی دارای رفتار کم و بیش ثابتی بودند و تغییر چندانی در رفتار آنها مشاهده نمی‌شد. یکی از دو حزب بزرگ و قدرتمند انگلستان غالباً با حدود ۵ درصد اختلاف رأی در انتخابات بر رقیب خود برتری می‌یافت. در حقیقت رقابت دو حزب بزرگ این کشور بر سر ۸ درصد کرسی‌هایی بود که تکلیف آنها در انتخابات نامعلوم بود و هر حزبی می‌کوشید این کرسی‌ها را به دست آورد. احزاب در این کشور می‌دانستند که به درصد مشخصی از آرا و کرسی‌ها قطعاً دست خواهند یافت. بتدریج هر چه به سال‌های ۸۰ نزدیک‌تر می‌شویم این ثبات جای خود را به تغییر گرایش‌های سیاسی در صد بیشتری از رأی دهندگان می‌دهد و

شاخص‌های مهمی است که می‌تواند رفتار رأی دهندگان را در انگلستان توضیح دهد.

بسیاری از پژوهشگران ترجیح می‌دهند با شاخص‌هایی چون عرضه و تقاضا، شهرت نامزدها و حساسیت موضوعاتی که مطرح می‌شود در صد آرای آنها را توضیح دهند. بدین ترتیب بسیاری افول حزب کارگر در سال‌های هشتاد را نتیجه شعارهای انتخاباتی آن حزب می‌دانند. در این سال‌ها حزب کارگر تأکید زیادی بر ملی کردن صنایع، قدرت دادن به سندیکاهای امثال آن کرد که چندان مورد علاقه مردم نبود.

هیلدا هیمولویت (Hilda Himmolweit) همراه گروه مطالعاتی خود بر اساس الگوی «مصرف کنندگان» و تحلیل‌های عقلانی و اقتصادی به بررسی رفتار رأی دهندگان انگلیسی پرداخت. او با استفاده از مفاهیمی چون عرضه و تقاضا و بازار انتخاباتی تلاش کرد انتخابات رأی دهندگان را با ماک‌هایی نظیر سود و زیان اقتصادی توجیه نماید. او بسان دیگر پژوهشگران اقتصاد - محور معتقد است که رأی دهندگان در بازار انتخابات در پی به حداکثر رساندن منفعت خویش می‌باشند. او در عین این که بینشی اقتصاد - محور دارد از نقش عواملی مانند تعلقات حزبی و مسائل احساسی غافل نیست. او معتقد است که هیچ حزب یا نامزدی نمی‌تواند همه خواسته‌های رأی دهندگان را تأمین کند. در نتیجه رأی دهندگان عواملی نظیر حزب مورد علاقه و تعلقات حزبی خود را نیز در گزینش خویش دخالت می‌دهند. در بازار اقتصادی هم مشتری گذشته از کیفیت کالا به «مارک» یا کارخانه سازنده آن توجه دارد و مارک کالا او را در موارد بسیاری ناخود آگاه به سمت کالاهای خاصی می‌کشاند.

طبقات اجتماعی و نقش آن در رفتار رأی دهندگان انگلیسی

اغلب نویسندگان در دهه‌های ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ نظام دو حزبی انگلستان را ثمره شکاف موجود بین دو طبقه اجتماعی می‌دانند و مهم‌ترین عامل توضیح دهنده تعلقات حزبی و رفتار انتخاباتی را در نظام طبقاتی جستجو می‌کنند.

اعلام کرده بودند.

بژوهشگرانی سعی کردند به توضیح این پدیده بپردازند. بالتر از جمله محققانی است که این پدیده را مورد بررسی قرار داده است. از دیدگاه بالتر چهار عامل مهم موجب کاهش تعلقات حزبی و شخصی شدن انتخاب رأی دهندگان می شود که عبارت است از:

۱- بالا رفتن سطح سواد، اجباری شدن تحصیل و افزایش درصد باسوادان موجب شده که رأی دهندگان از استقلال نظر بیشتری برخوردار شوند و با آزادی بیشتری به مطالعه برنامه های احزاب سیاسی بپردازند و از میان آنها حزب دلخواه خود را در انتخابات برگزینند. آمار نشان می دهد که درصد کسانی که به تحصیلات عالی روی آورده اند از ۱ درصد در سال ۱۹۰۰ به ۲۰ درصد در سال ۱۹۸۵ رسیده است. بالتر معتقد است که این قشر تحصیل کرده می کوشد در انتخابات حتی الامکان با آزادی عمل و چشمانی باز شرکت جوید با حداقل می کوشد تصور نماید که آزادانه

اختلاف درصد آرای احزاب سیاسی رفته رفته به ۱۰ و سپس حتی به ۲۰ درصد هم می رسد.

در انتخابات فوریه ۱۹۷۴ درصد رأی دهندگان حزب لیبرال از ۱۱ درصد به ۲۰ درصد افزایش یافت. در سال ۱۹۸۳ محافظه کاران توانستند ۵۲ درصد آرا را به خود اختصاص دهند.<sup>۸</sup>

این پدیده در حالی رخ نمود که درصد قابل توجهی از رأی دهندگان وابستگی حزبی خود را از دست دادند و در انتخابات هر چه بیشتر به سمت استقلال رأی گرایش یافتند. آمار نشان می دهد که در سال ۱۹۶۴، ۴۸ درصد رأی دهندگان به حزب محافظه کار، دلیل اصلی رأی خود به این حزب را علاقه و گرایش حزبی خود اعلام نمودند و ۵۱ درصد از رأی دهندگان به حزب کارگر چنین دلیلی برای رأی خود به حزب کارگر بیان کردند. این در حالی بود که در سال ۱۹۷۹ تنها ۲۹ درصد از رأی دهندگان به حزب کارگر و ۲۴ درصد از رأی دهندگان به حزب محافظه کار خود را وابسته و علاقمند به حزب

رفتار رأی دهندگان انگلیسی در سال های ۱۹۸۳-۱۹۵۹ بر اساس خاستگاه طبقاتی رأی دهندگان

انتخابات															
۱۹۸۳		۱۹۷۹		۱۹۷۴		۱۹۷۴		۱۹۷۰		۱۹۶۶		۱۹۶۴		۱۹۵۹	
		یدی		غیرییدی		غیرییدی		غیرییدی		غیرییدی		غیرییدی		غیرییدی	
۳۳	۵۸	۳۵	۶۰	۲۴	۵۱	۲۴	۵۳	۳۳	۶۴	۲۵	۶۰	۲۸	۶۲	۳۴	۶۹
۲۹	۲۶	۱۵	۱۷	۲۰	۲۴	۱۹	۲۵	۹	۱۱	۶	۱۴	۸	۱۶	۴	۸
۳۸	۱۷	۵۰	۲۳	۵۷	۲۵	۷	۲۲	۵۸	۲۵	۶۹	۲۶	۶۴	۲۲	۶۲	۲۲
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۶۱	۱۵۷۷	۷۷۹	۶۵۰	۱۰۱۰	۸۳۴	۱۰۶۰	۸۹۳	۵۷۷	۳۹۲	۹۴۵	۵۹۵	۹۱۴	۵۹۵	۷۹۲	۵۲۶
۲۱		۲۷		۳۲		۳۵		۳۳		۴۳		۴۲		۴۰	
۴۷		۵۵		۵۴		۵۵		۶۰		۶۶		۶۳		۶۵	
مأخذ:															
CREWE. I., The Electorale: Partisan Dealignment ten Years on, Op. cit ., p. 19.															

انتخابات مختلف از خود نشان داده است. با توجه به داده‌های پیشین، این محققان به این نتیجه رسیدند که شکاف طبقاتی در جامعه انگلستان بسیار کم‌رنگ شده و اهمیت سابق خود را از دست داده است. جدول بعدی نشان می‌دهد که درصد کارگرانی که به کارهای دستی اشتغال داشته‌اند و به حزب کارگر رأی داده‌اند، در طول سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۸۳ رو به نقصان گذاشته است. چنین کاهش را در درصد کارگران غیریدی (حرفه‌ای) که غالباً به حزب محافظه کار رأی می‌دهند نیز می‌توان به خوبی دید.

سومین نتیجه‌ای که این دو نویسنده می‌گیرند این است که خانم تاچر پیروزی خود را در سال ۱۹۷۹ مدیون کارگران غیرحرفه‌ای بوده که به اردوگاه طرفداران او پیوسته و در انتخابات حزب او را برگزیده‌اند. درصد این عده نسبت به سال ۱۹۷۴ از ۲۴ درصد به ۳۵ درصد افزایش یافته است. با توجه به آنچه گذشت، نویسندگان کتاب نتیجه می‌گیرند که تفاوت عمده انتخابات سال ۱۹۷۹ با انتخابات پیشین در این بوده که رأی‌دهندگان به موضوعات علاقه بیشتری نشان داده‌اند تا به احزاب سیاسی. در نتیجه، درصد چشمگیری از رأی‌دهندگان جدید به خانم تاچر گرچه حزب او را در مجموع نمی‌پسندیده‌اند ولی با توجه به موضوعاتی که این حزب و خانم تاچر در سال ۱۹۷۹ مطرح کرده بودند در تحلیل نهایی حزب او را برگزیده‌اند. کرو معتقد است که تحلیل وی از رفتار رأی‌دهندگان در سال ۱۹۸۳ نیز تأیید شده است.<sup>۱۲</sup> از نظر او انتخابات این سال مهر تأییدی است بر کاهش شدت شکاف طبقاتی و استقلال هرچه بیشتر رأی‌دهندگان در انتخابات.

با توجه به نتیجه انتخابات سال ۱۹۸۳ پژوهشگرانی چون فرانکلین مدعی شدند که دوران وابستگی‌های حزبی به پایان رسیده است و رأی‌طبقاتی جای خود را به شیوه جدیدی در انتخابات می‌دهد. از دیدگاه او غیر از خاستگاه

۲- تردید نسبت به کارایی هیأت حاکمه و احزاب حاکم خصوصاً در امور اقتصادی موجب شده که توجه بیشتر رأی‌دهندگان به برنامه‌ها و شعارهای تبلیغاتی احزاب معطوف گردد.

۳- ظهور رادیو و تلویزیون و نقش آنها در تبلیغات انتخاباتی موجب شده که احزاب و روزنامه‌های وابسته به آنها تنها منبع اخبار تلقی نشود و مردم راه جدیدی برای دریافت اخبار و آگاهی از رویدادهای سیاسی پیدا کنند و تا حدی از استقلال رأی برخوردار شوند.

۴- تغییر ساختار اجتماعی و به هم خوردن گروه‌بندی طبقاتی گذشته بر آرای رأی‌دهندگان اثر چشمگیری گذاشته است. آمار نشان می‌دهد که رفته‌رفته درصد کارگران غیرحرفه‌ای رو به نقصان نهاده و حزب کارگر بتدریج درصد قابل توجهی از رأی‌دهندگان وفادار خود را از دست داده است. براساس آمار و ارقام در سال ۱۹۸۵ کمتر از ۵۰ درصد از مردم انگلستان با کارهای دستی روزگار می‌گذرانده‌اند در صورتی که در گذشته این درصد به مراتب بالاتر بوده است.<sup>۱۰</sup>

سارلویک و کرو از جمله پژوهشگران معروفی هستند که این پدیده را مورد مطالعه قرار داده‌اند.<sup>۱۱</sup> این دو نویسنده کوشیدند در کتاب مهم و معروف خود به این سؤال اساسی پاسخ گویند که چرا نظام دو حزبی و ثبات رفتار رأی‌دهندگان در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۷۰ جای خود را به صف‌بندی‌های تازه در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ داده است.

این دو پژوهشگر دریافتند که از یک سو درصد کارگران غیرحرفه‌ای به صورت چشمگیری کاهش یافته است، و از سوی دیگر درصد کارگران غیرحرفه‌ای که به حزب کارگر رأی می‌دهند نیز کاهش محسوس نشان می‌دهد. برپایه آمار، در سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ از میان کارگران غیرحرفه‌ای تنها ۲/۵ درصد به محافظه کاران رأی داده‌اند. در مقابل، طبقه متوسط رفتار باثباتی در دوران



طبقاتی عوامل مهم دیگری چون فرهنگ سیاسی، محیط خانوادگی و بیش از همه موضوعات مطرح شده از سوی احزاب عوامل تعیین کننده رأی افراد است.<sup>۱۳</sup>

او نتیجه می‌گیرد که وجود حزب سوم در این کشور را نباید به معنای نظام سه حزبی تلقی نمود چرا که رفتار رأی‌دهندگان متغیر است و در هر انتخابات ممکن است اتفاق تازه‌ای بیفتد.

اثر مهم دیگری که به تحلیل رفتار انتخاباتی مردم انگلستان پرداخته، مربوط به دو نویسنده انگلیسی به نام‌های هازباندز و دان لیوی است که با استفاده از نظریات پیشین کوشیده‌اند تغییر رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان در انگلستان و عوامل مؤثر بر رفتار آنان را بررسی نمایند.

این دو نویسنده در سال ۱۹۸۵ در کتاب خود<sup>۱۴</sup> شکاف‌های جدیدی را در جامعه انگلستان مطرح نمودند. از نظر این پژوهشگران شکاف مهم جامعه انگلستان که آرای رأی‌دهندگان را شکل می‌دهد ماهیتی متفاوت با شکاف‌های پیشین دارد. از نظر این دو محقق در دوران تورم و مشکلات اقتصادی شکاف‌های اجتماعی در انگلستان به شکل محسوس‌تری تغییر یافته است. کارگران عضو سندیکاها در مقابل کارگران مستقل و غیر عضو قرار گرفته‌اند و شکاف دیگری اعضای سندیکاها را نیز در مقابل هم قرار داده است و اعضای سندیکاها کارگری بخش خصوصی خود را در مقابل سندیکاها بخش دولتی می‌دانند. این گروه‌های جدید خواسته‌ها و منافع مختلفی خصوصاً در رابطه با حقوق ماهانه و مزایای شغلی دارند. بدین ترتیب طبقه کارگر به دسته‌های مختلف تقسیم شده و رفتار انتخاباتی آنان شدیداً تحت تأثیر گروه‌بندی‌های جدید قرار گرفته است.

کارکنان بخش خصوصی تورم را ناشی از هزینه‌های فراوان دولت در اداره بخش‌های عمومی و هزینه سنگین مربوط به حقوق کارمندان و مزدبگیران دولتی می‌دانند و لذا، این دو قشر دارای منافع مختلفی هستند و در مقابل

همدیگر صف‌آرایی می‌کنند. بدین ترتیب حزب کارگر که خواهان گسترش بخش عمومی و افزایش حقوق‌بگیران دولتی است بخشی از طرفداران خود را در میان کارگران و حقوق‌بگیران بخش خصوصی از دست می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین نتایج تحقیق این بود که تحلیلی واقع‌بینانه از گرایش رو به تزايد بخش قابل توجهی از طبقه متوسط به حزب کارگر ارائه نمود. حقوق‌بگیران بخش دولتی از طبقه متوسط بیش از دیگران منافع خود را در تقویت بخش عمومی می‌بینند که از جمله سیاست‌های مهم و اصولی حزب کارگر محسوب می‌گردد.

نتیجه مهم دیگر تحلیل دو پژوهشگر این است که به خوبی نشان می‌دهد طبقه کارگر خود شاهد شکاف جدیدی است و اعضای سندیکاها در مقابل افراد مستقل قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، شکاف میان کارگران عضو سندیکاها که از بخش‌های دولتی هستند و کارگران عضو سندیکاها بخش خصوصی به خوبی می‌تواند پیوستن گروه نخست به حزب کارگر و تمایل دسته دوم به حزب محافظه کار را توضیح دهد.

بدین ترتیب به خوبی می‌توان فهمید که مناطق شمالی که غالباً درصد بالایی از صنایع دولتی و ادارات و مراکز بزرگ دولتی در آن متمرکز است به حزب کارگر تمایل بیشتری نشان می‌دهند و برعکس مناطق جنوبی که بخش خصوصی در آنها فعال‌تر است در انتخابات به حزب کارگر گرایش دارند.

پژوهشگران دیگری کوشیده‌اند به تعدیل نظریات پیشین بپردازند. این محققان با پذیرش اصل دگرگونی رفتار رأی‌دهندگان ارتباط میان خاستگاه طبقاتی و رأی را نفی نمی‌کنند. این پژوهشگران معتقدند که طبقات اجتماعی تعریف جدیدی پیدا کرده و تحولات ساختار سیاسی-اجتماعی حاکی از آن است که تقسیم‌بندی سنتی و گذشته از گروه‌های اجتماعی و طبقات می‌بایست مورد تجدیدنظر قرار گیرد. این عده با اصلاح گروه‌بندی سنتی اقلشار اجتماعی، گروه‌بندی تازه‌ای مطرح نموده‌اند. این عده

سارلویک و کرو از جمله محققانی هستند که با مطالعه نتایج آرا در انتخابات مختلف انگلستان توانستند به چنین تقسیم‌بندی دست یابند. از دیدگاه این دو محقق مناطق شمال و جنوب انگلستان دارای رفتارهای متفاوتی می‌باشند. از نظر این دو، تقسیم‌بندی شمال و جنوب تا حدّ زیادی به شکاف موجود در میان طبقه کارگر مربوط می‌شود.<sup>۱۶</sup>

در جنوب انگلستان اکثریت با کارگران جدیدی است که غالباً دارای منازل مسکونی شخصی هستند و در صنایع و شرکت‌های خصوصی مشغول کارند، در صورتی که در شمال انگلستان بیشتر کارگران سنتی ساکن می‌باشند که در شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی کار می‌کنند و در ساختمان‌های جمعی و استیجاری ساکنند.

کارگران ساکن شمال که در شرکت‌های دولتی کار می‌کنند، طبیعتاً خواهان افزایش خدمات دولتی می‌باشند و از سیاست‌های حزب کارگر حمایت می‌کنند. این درحالی است که کارگران جنوب، افزایش خدمات دولتی و در نتیجه آن، افزایش مالیات‌ها را مانع اصلی توسعه شرکت‌های خصوصی و بهبود وضع خود می‌دانند و در نتیجه به حزب محافظه‌کار یا احزاب میانه گرایش دارند.

قبل از این دو پژوهشگر، همان‌گونه که گفته شد، محققان دیگری هم این پدیده را که درصدی از کارگران یدی به حزب محافظه‌کار رأی می‌دهند مورد توجه قرار داده بودند و بدین ترتیب گمان می‌رود که سخن کرو و سارلویک چندان تازه نباشد. اما حقیقت این است که محققان قبلی بر این عقیده بودند که کارگران یدی (غیرحرفه‌ای) محافظه‌کار برخلاف منافع اقتصادی خود به دلایل روانی و سنتی حزب محافظه‌کار را برمی‌گزینند. در صورتی که کرو و سارلویک معتقدند که این انتخاب کاملاً توجیه اقتصادی دارد و کارگران غیرحرفه‌ای در بخش‌های دولتی در واقع برای تأمین منافع اقتصادی خود دست به چنین اقدامی می‌زنند.<sup>۱۷</sup>

محققانی مانند جان استون، کوشیده‌اند با بیان

طبقه‌بندی زیر را برای اقشار مختلف اجتماعی پیشنهاد می‌کنند:

۱- مدیران و دارندگان شغل آزاد. این طبقه نسبت به گذشته گسترش بیشتری یافته است و در مقابل ۱۸ درصد در سال ۱۹۶۴، ۲۷ درصد از رأی‌دهندگان در سال ۱۹۸۳ را تشکیل می‌دهد.

۲- کارکنانی که کارهای غیر یدی انجام می‌دهند، مانند کارمندان ادارات، منشی‌ها، کارگران حرفه‌ای و... که مجموعاً ۲۴ درصد رأی‌دهندگان را تشکیل می‌دهند. این رقم در سال ۱۹۶۴، ۱۸ درصد بوده است.

۳- خُرده بورژواها، مالکان کوچک، کشاورزان، افرادی که کارهای یدی انجام می‌دهند ولی مستقل می‌باشند (۸ درصد از رأی‌دهندگان در مقابل ۷ درصد گذشته).

۴- تکنیسین‌ها و Contrematre ها و نخبگانی که در محیط کار خود از اقتدار و اختیارات نسبی برخوردارند. این طبقه سیر نزولی و قهقراپی پیموده است.

۵- طبقه کارگر که کارهای یدی انجام می‌دهد و فاقد هرگونه استقلال در محیط کاری خود می‌باشد. این طبقه نیز در حال کاهش است و سیر نزولی دارد و از ۴۷ درصد به ۳۴ درصد از رأی‌دهندگان رسیده است.<sup>۱۵</sup>

این پژوهشگران سعی کرده‌اند نشان دهند که با تقسیم‌بندی جدید طبقات اجتماعی آرای رأی‌دهندگان همچنان تابعی از متغیر طبقات است و رفتار انتخاباتی همچنان تا اندازه زیادی قابل پیش‌بینی می‌باشد.

### جغرافیای انتخاباتی در انگلستان

همان‌گونه که متذکر شدیم در بسیاری از کشورها پژوهشگران نقشه‌ای انتخاباتی برای کشورها ترسیم می‌کنند. این نقشه‌ها بر این فرض استوار است که رفتار انتخاباتی ثابت و با دوامی طی سال‌های طولانی در مناطق مختلف مشاهده شده است و بر پایه تقسیمات جغرافیایی می‌توان گرایش‌های سیاسی مردم را تقسیم‌بندی و ترسیم کرد.

دیگر عوامل توضیح‌دهنده رأی منطقه‌ای به تکمیل نظریات دو پژوهشگر پیشین بردازند. از دیدگاه جان استون<sup>۱۸</sup> گذشته از شکاف میان طبقه کارگر، شکاف منطقه‌ای در انتخابات نتیجه مجموعه عوامل دیگری است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱- روابط میان افراد رأی‌دهنده در یک منطقه موجب تسری یک رأی در منطقه جغرافیایی خاصی خواهد شد. غالباً یک عقیده در یک منطقه جغرافیایی خاص بتدریج شیوع می‌یابد و فضایی در منطقه ایجاد می‌کند که غالب افراد در این فضا تسلیم جو موجود می‌شوند.

۲- افزون بر آن، در سطح خردتر روابط موجود میان افراد همکار نیز مجموعه‌های شغلی رارفته‌رفته در خصوص مسائل عمده سیاسی به نتایج و گرایش‌های یکسان می‌رساند. اغلب دیده می‌شود که کارگران معدن در یک منطقه در مسائل بسیاری همسان می‌اندیشند و به دلیل ارتباط دائمی با یکدیگر به نوعی تفاهم سیاسی و فکری در مسائل می‌رسند.

۳- مسائل محیطی هم در این خصوص نقش مهمی دارد. در منطقه‌ای که درصد بالایی بیکار دارد، مشکل بیکاری حتی در ذهن کسانی که چنین مشکلی برای خود و خانواده خویش ندارند، برجسته‌تر می‌شود و بر تعداد طرفداران حزب کارگر می‌افزاید.

عوامل یاد شده زمینه را برای شیوع اندیشه‌های حزبی که در منطقه اکثریت دارد و از قدرت بیشتری برخوردار است فراهم می‌سازد، و یک منطقه را به سمت هم‌رنگی و هم‌رأیی سیاسی سوق می‌دهد. طبیعتاً در این میان جمعی غیر مصمم باقی می‌مانند که طعمه‌های اصلی تبلیغات انتخاباتی را تشکیل می‌دهند. جان استون با بررسی نتایج انتخابات انگلستان به این نتیجه می‌رسد که طی ۶۰ سال گذشته رفتار انتخاباتی ثابتی در مناطق مختلف انگلستان دیده شده است و رأی منطقه‌ای همچنان با انتخابات مختلف تأیید می‌گردد. حزب کارگر از بدو تشکیل پیوسته در مناطق صنعتی شمال دارای

اکثریت آرا بوده است.

پژوهشگران دیگری چون یان مک آلیستر و ریچارد رز با بررسی و تحلیل انتخابات سال ۱۹۸۳ انگلستان ضمن تأیید نظرات جان استون کوشیدند دلایل رفتار ثابت انتخاباتی در مناطق مختلف انگلستان را توضیح دهند. این دو محقق با تقسیم انگلستان به چهار منطقه جغرافیایی، چهار متغیر گوناگون را در شکل دادن به آرا دخیل دانستند.

چهار منطقه انتخاباتی از دیدگاه این دو پژوهشگر عبارت است از: شمال (شمال و شمال غرب)، میدلندز، جنوب (جنوب شرقی غیر از لندن بزرگ و جنوب غربی) و شرق انگلیا.

از دیدگاه این دو پژوهشگر شش متغیر مختلف توضیح‌دهنده آرا می‌باشد. از این شش عامل چهار متغیر اجتماعی است: موقعیت شغلی، مهاجرت، سن، وضع کشاورزی؛ دو متغیر نیز سرزمینی است: فاصله تا لندن و تعلق به منطقه جغرافیایی خاص.

از نظر آلیستر و رز متغیرهای اجتماعی مهم‌ترین نقش را در رفتار رأی‌دهندگان دارد و توضیح دهنده ۴۲ درصد از آرای محافظه‌کاران می‌باشد و ۳۹ درصد از آرای حزب کارگر تابع این متغیرهاست.

بطور کلی شش عامل یاد شده تعیین‌کننده رأی ۷۸ درصد از طرفداران حزب محافظه‌کار و ۷۹ درصد از هواداران حزب کارگر می‌باشد.

در خصوص متغیرهای سرزمینی و جغرافیایی، این دو پژوهشگر به این نتیجه رسیدند که جغرافیا بر رفتار رأی‌دهندگان بی‌تأثیر نیست و نشان دادند که براساس آمار و ارقام انتخاباتی، رابطه مستقیمی بین میزان فاصله از شهر لندن و کمتر شدن آرای محافظه‌کاران وجود دارد. براساس محاسبه این دو محقق به ازای هر ۱۰۰ مایل فاصله از لندن خانم تاچر ۳ درصد از آرای خود را از دست داده است.

با توجه به کرسی‌های به دست آمده در انتخابات سال ۱۹۸۳ آنچه بیشتر محسوس است نقش موقعیت سیاسی-اجتماعی است. از

- tiques du Royaume - uni. Paris, Masson. Armand Colin, 1993, p. 146.
4. Charlot M., **Op. cit.**, p. 147.
5. Bulter (D.E), Stokes, **Political change in Britain**, **Op. cit.**
6. Pulzer P., **Political representation and Elections in Britain**, London, Allen and Unwin, 1967, p. 98.
7. Bulter D., Stokes D., **Political Change in Britain; Forces Shaping Electoral Choice**, **Op. cit.**, p. 149.
8. Leruez J., **Gouvernement et Politique en Grande - Beretagne**, Paris, Dalloz, 1989, p. 235.
9. Bulterd. Le, **Systeme des Partis: "Desalignement" ou "Realignement"? Pouvoirs**, p. 25.
10. Sarlvik B., Crewe I., **Decade of Dealignment**, Cambridge, Cambridge University Press, 1983.
11. Sarlvik and Crewe.
12. Crewe I., **The Electorate: Partisan Dealignment ten Years on**, in Berrington H. ed. "Change in British Polititics", **West European Politics**, 6 Oct. 1989.
13. Franklin, M.N., **The Decline of Class - Voting in Britain: Changes in the basis of electoral choice**, Clarendon Press, Oxford, Oxford University Press, 1985, p. 106.
14. Dunleavy P., Husbands C.T., **British Democracy at the Cross - roads: Voting and Party Competition in the 1980**, London, Allen and Unwin, 1985.
15. Heath A., Jowell R., Curtice J., **How Britain Votes**, London, Pergamon Press, 1985.
16. Crewe I., "The Electorate: Partisan Dealignment Ten Years on" **Op. Cit.**, p. 196.
۱۷. همان، ص ۱۹۶.
18. Johnston R. J., **The Geography of English Politics. The 1983 General Election**, London, Croom Helm, 1985, p. 279-280.
19. **Ibid.**

مجموع ۱۰۰ حوزه انتخاباتی که بعنوان نمونه دارای موقعیت اقتصادی و اجتماعی نسبتاً بالایی بوده‌اند، حزب محافظه کار ۹۹ کرسی به خود اختصاص داده و از میان ۱۰۰ حوزه‌ای که از نظر اجتماعی در سطوح پایینی قرار داشته‌اند حزب کارگر ۸۳ کرسی و محافظه کاران ۱۲ کرسی به دست آورده‌اند.<sup>۱۹</sup>

در انتخابات این سال محافظه کاران ۹۵ درصد از کرسی‌های جنوب و ۶۷ درصد از کرسی‌های لندن بزرگ، ۷۱ درصد از کرسی‌های میدلندز را به خود اختصاص دادند و حزب کارگر در منطقه شمال توانست ۵۵ درصد کرسی‌ها را در انتخابات سال ۱۹۸۳ از آن خود نماید.

مک الیستر و رز از آمار فوق نتیجه می‌گیرند که: اولاً، کاهش میزان آرای حزب کارگر در منطقه شمال نتیجه تبلیغات انتخاباتی شدید بین این دو حزب در این سال می‌باشد. ثانیاً، نظام انتخاباتی انگلستان که اکثریتی یک مرحله‌ای است موجب شده که طرفداران حزب کارگر که در مناطق مختلف پراکنده هستند نتوانند به تناسب درصد آرای خود در مجلس صاحب کرسی نمایندگی باشند.

از آنچه گفته شد، خوب می‌توان دریافت که چارچوب نظری نونا و مایر که کوشیده‌اند میان الگوهای مختلف جمع نمایند چندان دور از واقعیت نیست و عوامل مختلف به نحوی که گذشت تعیین کننده رأی و رفتار رأی‌دهندگان می‌باشد.

### زیر نویس‌ها

1. Bulter (D.E), Stokes, **Political Change in Britain**, London, Macmillan Press, 1969 (2 éd. 1974).
2. Bulter D., **Le Systeme de Partis: "desalignement" ou "realignement"? Pouvoir**, p. 30., Leruez J., "Le Scrutin du 11 juin 1987 en Grande - Beretagne. Lumière et ombres d'ue réélection "trionphale", **Commentaire**, 39, Automme.
3. Charlot M., **Institutions et Forces Ploi-**